



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۶/۲۴

میر عنایت الله آشفته

خون رزمندگان افغان، بنام اجیران صلیبی و دهشت افغان تروریست در اختیار بازیگران سیاست!

پس از هیاهویی آتش بس سه روزه توسط رئیس جمهور غنی متهم به قبیله گرایی؟ و رئیس اجراییه متهم به کار شکنی دو داکتر به جان هم انداخته شده و طرف اعتماد غرب با طالبان، مخالفان صلح در داخل دولت دو منزله افتراق ملی! بخود گرفتار و مخالفان خارج از دولت « دوره گرد های ائتلاف ساز آزمون شده، بی برنامه و خلع شده های قدرت» دست و پاچه بوده، دلالتان داخلی، کشورهای ذی نفوذ و مصروف در جنگ نیابتی و به صلح مبهم، مجهول، پیچیده و مشروط به تلاش حفظ منافع اضلاع متحده امریکا+ ناتو در افغانستان بازار را؛ گرم نموده اند. هر منصف آگاه میداند که، با وصف تبلیغات و حملات بی پیشینه قوای هوایی ائتلاف ناتو+ امریکا وضع جنگی به نفع دولت، تغییر مثبت نداشته، برعکس حملات تهاجمی طالبان؛ تلفات بیشتر را به مقایسه گذشته متوجه سربازان و قوای امنیتی دولت نموده است.

بناءً به باور آگاهان، اعلان طرح پیشنهاد صلح بدون قید و شرط و آتش بس یکجانبه، از جانب رئیس جمهور، ابتکار شورای عالی صلح یا شورای علما، بدون موافقت قوای ائتلاف؛ نا ممکن تلقی می گردد.

آنچه را نگارنده این سطور غیرجانبدارانه بیان میدارد، ترس از تکرار حوادث خون بار دوران جهاد، اختلافات عمیق رهبران جهاد، عدم صداقت و پابندی به آرمانهای جهاد، ازدواج سیاسی بخش اعظم رهبری خلق – پرچم با تعدادی از تنظیم های جهادی در پیوند های قومی، سمتی، زبانی که باعث استعفای داکتر نجیب الله، ناکام ساختن پلان صلح ملل متحد، مسبب جنگ های تنظیمی، تخریب شهر و تلفات 70000 شهریان کابل گردید را، همه به چشم سر مشاهده نمودیم، اسناد، شواهد، تصاویر و فیلم های مستند وجود دارد.

حوادث خون بار و جنایات هولناک در حالی صورت گرفته است که: تحریک طالبان هنوز ظهور نکرده بود. از ایجاد دولت ساخته شده بُن تا این دم، در اختلافات سلیقه یی داخل نظام، بی عدالتی، غارتگری، غصب دارایی های عامه، قاچاق معادن، اختلاس، فساد، سرقت میلیارد ها دالر، قانون شکنی و . . . ناکامی دولت خدا داد آقای کرزی و دولت دو منزله افتراق ملی، طالبان مسؤل نبوده و نیستند؛ بلکه دلیل اصلی حالت ناهنجار فوق قانون شکنی و اختلافات ذات البینی حاکمان میباشد.

بلی طالبان، مانند مجاهدین وابسته به همسایه ها، مسبب تخریب و حریق مکاتب، شفا خانه، بل و پل چک، پایه های برق و . . . میباشد؛ اما در اختلافات رهبری دولت و رقابت حاکمان، بصورت قطع مسؤل نیستند چنانچه مجاهدین مسؤل اختلافات قاتلانه بین رهبران خلقی و پرچمی وابسته به شوری نبودند.

افغانستان دردمند امروز حاصل مبارزات 40 ساله نیرو های چپ و راست سیاسی کشور می باشد. حال از اثر خود خواهی، جا طلبی های سیاسیون فوق، چه ضمانت وجود دارد که نیرو های داخلی در تبنانی با خارجی، جنایات هولناک و به مراتب خطرناک تر از زمان سقوط نجیب الله را تکرار نمایند؟

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

بناءً به سیاسیون و سیاسی ساخته شده های کشور، منحیث یک تبعه خیر خواه وطن دوست و متعهد به خاک و ملت پیشنهاد می نمایم که برای حفظ حیات خویش، حفظ سرمایه های باد آورده و هنگفت خویش، حفظ حیات فرزندان جوان خویش، ثبات نیم بند کشور، وحدت مضروب ملت عمداً متفرق ساخته شده، حفظ و بقا کشور محبوب ما را فدای هوا و هوس های خویش نساخته، حقایق اوضاع جاری کشور و منطقه را مسؤولانه رعایت نمایید.

اگر، ائتلاف نظامی ناتو و دولت واقعاً برای صلح و ثبات سیاسی، اقتصادی و راه های ترانزیتی افغانستان علاقه مند باشند، نیرو های طالب، بعلاوه مبارزه علیه داعش؟! میتوانند در تأمین امنیت این پروژه های کلان بسیار مؤثر واقع شود بناءً مذاکره مستقیم امریکا با طالبان افغان؛ برای سیاسیون وطن دوست یک امر بسیار عادی تلقی شده میتواند. طالبان افغان نیز باید بدانند که اگر تبنانی بین داعش؟! و همسایه ها یا حلقات خاص در داخل کشور وجود داشته باشد، حق تغییر تاکتیک ها برای قدرت های خورد و بزرگ جهت حفظ منافع و مقاصد شان محفوظ خواهد بود.

همان گونه که در اثر انگیزه های داخلی و محاسبات نیروهای خارجی، شیرازه کشور ما، چهل سال قبل عمداً از هم پاشیده شد، پس از تجربه و آزمایشات خون بار چهل سال اخیر، نتایج و شواهدی برای ختم جنگ به مشاهد می رسد؛ مشروط بر اینکه سیاسیون افغان به شمول طالبان افغان، از سقوط نافرجام حکومت نجیب الله؛ درس عبرت گرفته باشند.

از آنجاییکه انسان های عاقل و هدفمند از تجارب مثبت و منفی شان میآموزند، ایجاب مینماید که با یک اعتراف صادقانه، دور اندیشانه جهت تغییر وضع فلاکتبار ملت، مخلصانه و وحدت طلبانه برای برگشت مجدد فضای دوستی، برادری، عزت و آبروی از دست رفته کشور و ملت؛ دست دوستی و اخوت را دراز نموده؛ زمینه تفاهم ملی را برای نسل های جوان و کادر های سیاسی داخل دولت، خارج دولت و طالبان افغان مساعد گردانید. هیچ طرف درگیر منطقاً مستقل بوده نمیتواند و مستقل نیست. قشر سیاسی میداند که: هیچ دوستی و دشمنی در سیاست دایمی نیست، آنچه دایم، پیوسته و هدفمند تعقیب می گردد؛ منافع علیاء کشورها میباشد.

به باورم راه حل مطلوب و عاقلانه جز جمع شدن در محور و چتر منافع وحدت برادرانه، دور از دغدغه های تشکیلاتی، قومی، سمتی، زبانی، مذهبی برای اتحاد مجدد افغانستان کثیر القومی، کثیر الزبانی، کثیرالمذهبی؛ بدیل بهتر وجود ندارد. کاملاً واضح و آشکار میباشد که حل قضیه افغانستان، بدون همکاری قدرت های منطقه بی و جهانی ممکن و مقدور نمی باشد. بناءً از همه شخصیت های مستقل ملی، سیاسی، خبیبر و باورمند به صلح، توقع می رود که منحیث فرزندان صدیق مسئول، مدیون و وارثان کشور دور از تعصب، طمع و توقع برای وفاق ملی از هیچ نوع همیاری و همکاری با ملت دردمند دریغ نوزید.

پیشنهاد می نمایم، برای تداوم آتش بس، ایجاد زمینه تفاهم منطقه بی، عدم مداخله کشور های همسایه و کشورهای رقیب، گرفتن تعهد و تضمین از شورای امنیت سازمان ملل متحد با همکاری امریکا، زمینه خروج ابرومندانه ائتلاف نظامی را با تداوم همکاری های اقتصادی امریکا و کشورهای دوست تعویض کرد.

و ما علینا الابللاغ!